

ساختار کالبدی - فضایی شهر تاریخی حلب و مواجهه تمدنها

رضا هورمهر^۱، محمد ابراهیم زارعی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۲

چکیده

حلب با پیشینه چند هزار ساله حیات خود به عنوان یکی از شهرهای مهم منطقه خاور نزدیک به شمار می آید. شواهد نشان می دهد این شهر از هزاره دوم پیش از میلاد در محل تلاقی چندین راه تجاری قرار داشته و به طور متوالی توسط اقوام و سلسله هایی چون هیتی ها، آشوری ها، اعراب، مغول ها، ممالیک و عثمانی ها اداره می شده است. عناصری چون قلعه، بازار، مسجد جامع، مدارس، کاخ ها، کاروانسراها و حمام ها همگی بخشی از این بافت شهری منسجم و منحصر به فرد را تشکیل داده اند. این شهر باستانی با وجود ارزشهای ویژه معماری و شهرسازی و شاخصه های منحصر به فرد خود در سال ۱۹۸۶ در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است.

ارگ حلب یکی از برجسته ترین نمونه های معماری اسلامی قرون وسطایی است که تا قرن بیست و یکم حفظ شده است. بخش هایی از دیوارهای سنگی قدیمی شهر به همراه چندین دروازه آن هنوز دست نخورده باقی مانده است. در طول جنگ سوریه، شهر بافت تاریخی حلب از جمله ارگ و مسجد جامع، متحمل آسیب های زیادی گردیده به طوری که یونسکو آنرا در زمره موارد جهانی در معرض خطر اعلام کرد و از اینرو تلاش ها برای بازسازی این بافت و عناصر شاکله آن پس از بازپس گیری شهر در حال انجام است. قابل مشاهده ترین نقطه عطف حلب، ارگ قرون وسطایی است که بر روی تپه ای نیمه ساخته دست بشر در مرکز شهر به ارتفاع حدود ۴۰ متر قرار دارد. بخش قدیمی شهر که از پیرامون تپه به بیرون گسترش یافته، تقریباً ۱،۵ مایل مربع (۴ کیلومتر مربع) را پوشش می دهد. در غرب ارگ یکی از بزرگ ترین بازارهای سرپوشیده خاورمیانه قرار دارد که کیلومترها در خیابان های باریک امتداد یافته است. فروشندگان بر اساس تجارت در بازار گروه بندی می شوند و کوچه های تخصصی برای کالاها از جمله پوشاک، منسوجات، چرم، صابون و ادویه جات تشکیل می دهند. خان ها، مساجد و خانه های متعدد عمماً با مصالح سنگ آهک ساخته شده اند و قدمت بسیاری از آنها به قرن های شانزدهم و هفدهم میلادی می رسد. با این حال، این نیز بسیار ساده خواهد بود.

با وجود بروز جنگ های مختلف مذهبی و قومیتی و استیلای سلسله های گوناگونی بر این شهر در طول تاریخ و گاهاً بروز آسیب های گسترده بر ساختار فیزیکی و کالبد شهر، انسجام ساختار اجتماعی همچنان حفظ گردیده است و شاید این تقابل فرهنگی به تعامل مبدل گشته است هر چند گستره فروپاشی این شهر تاریخی در پس هجوم ناباورانه گروه به اصطلاح دولت اسلامی (داعش) بسیار گسترده و ماندگار خواهد بود.

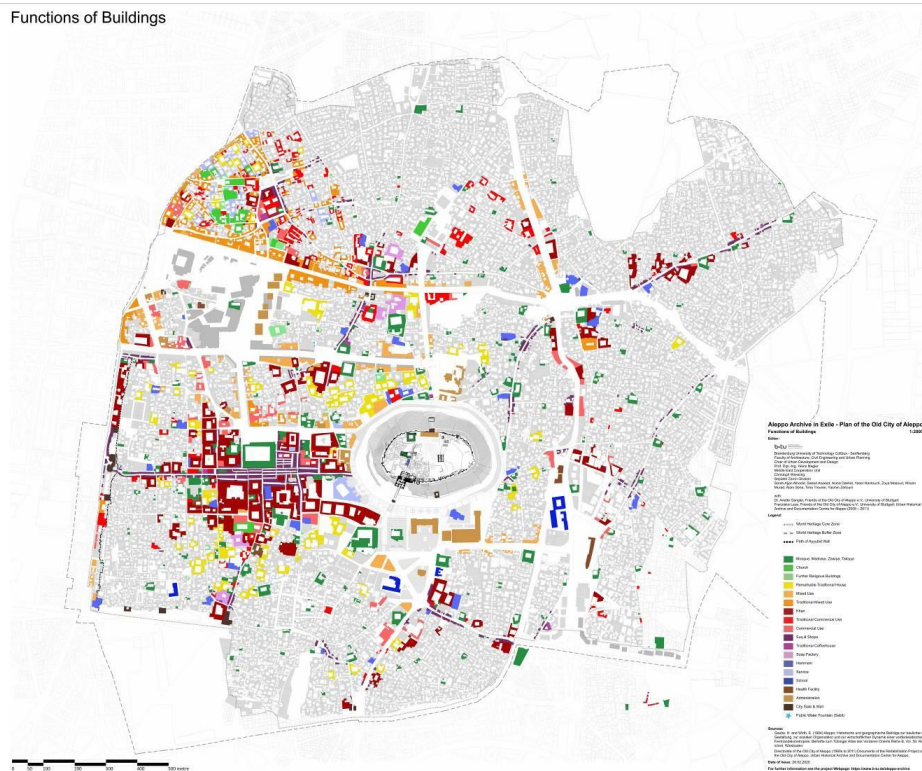
واژگان کلیدی: حلب، سوریه، قلعه حلب، مسجد جامع اموی حلب، ایوبیان، مواجهه تمدنها

^۱ دانشجوی دکترای باستان شناسی دانشگاه بوعلی سینا

^۲ عضو هیئت علمی گروه آموزشی دانشگاه بوعلی سینا

مقدمه و بیان مسئله:

شهر حلب مرکز استانی به همین نام، در ۳۵۰ کیلومتری شمال دمشق و دومین شهر بزرگ کشور سوریه است. کالبد فیزیکی این شهر شامل دو بافت متمایز قدیم و جدید است. بخش قدیم در میانه شهر واقع شده و دارای ساختمان‌هایی تاریخی با محوریت قلعه بزرگ حلب است. بخش جدید شهر در پیرامون حصار قدیمی و در جریان گسترش شهر شکل گرفته و کالبدی با خیابانهای عریض و ساختمانهای جدید دارد. بافت تاریخی حلب تشکل یافته از عناصر متنوع کارکردی و ساختاری است.



نقشه شماره ۱: بافت تاریخی حلب و عناصر عملکردی آن، منبع: Heinz, Nagler (2020)

قلعه حلب و شاید بارزترین این عناصر در میانه این بافت و بر روی تپه ای قرار دارد. شاید بتوان گفت این قلعه تاریخی، یکی از شاخص ترین قلاع دنیاست که حصار، برج‌ها و بخشهای عمده آن هنوز پا برجاست. در سال ۶۵۸ ه.ق مغول‌ها به این شهر و قلعه حمله کردند و در ۸۰۳ ه.ق نیز تیمور شهر و قلعه حلب را ویران کرد، ولی مملوکان، پس از آزادسازی شهر و قلعه، به مرمت و بازسازی آن پرداختند. عثمانیان در ۹۲۳ ه.ق قلعه را تصرف کردند. ابراهیم پاشا، فرزند محمدعلی پاشا، خدیو مصر، در ۱۲۴۷ ه.ق بدانجا رفت و قلعه را مرکز سپاهیان خود قرارداد و تا ۱۲۵۷ در آنجا اقامت داشت.

ارگ یادمانندی حلب، که بر فراز سوق‌ها، مساجد و مدارس شهر قدیمی محصور شده، گواهی بر قدرت نظامی اعراب از قرن ۱۲ تا ۱۴ میلادی است که شامل بقایای مساجد، کاخ‌ها و ساختمان حمام و دیگر بخشها است. هرچند شواهدی مبنی بر استقرار تمدن‌هایی که تاریخ آنها به قرن دهم قبل

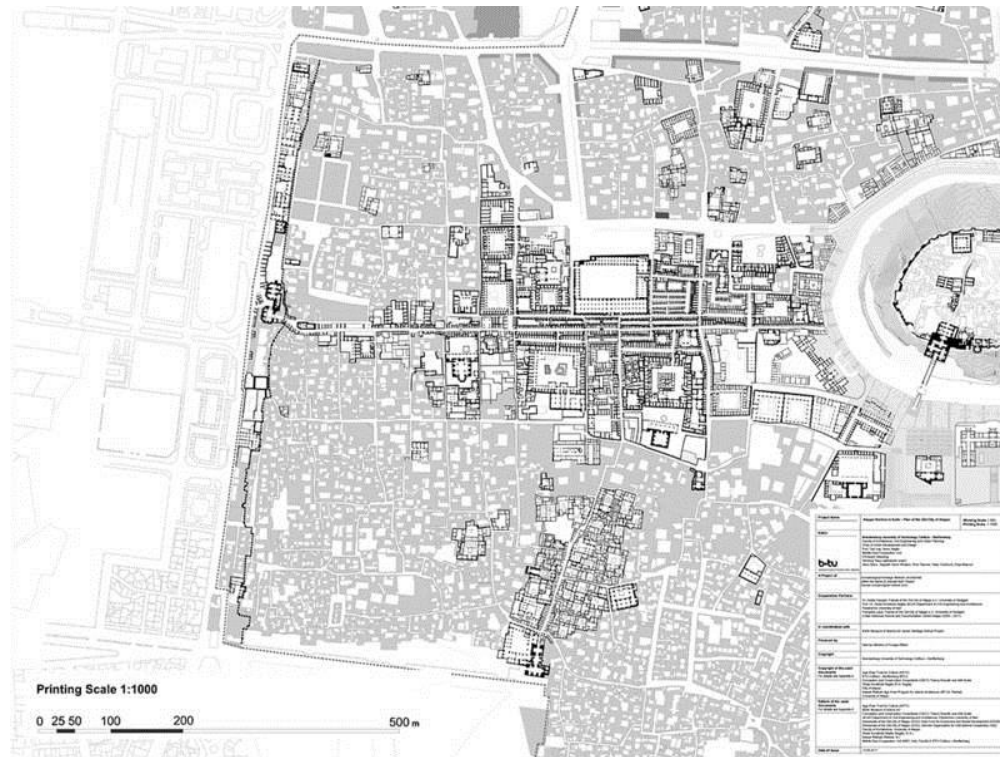
از میلاد (نظیر تمدن هیتی) باز می‌گردد در میانه این تپه وجود دارد. کالبد شهر که در اطراف ارگ گسترش یافته و به وسیله برج و باروهایی محصور شده، شواهدی از طرح خیابان‌های یونانی-رومی اولیه دارد و شامل بقایای ساختمان‌های مسیحی قرن ششم، دیوارها و دروازه‌های قرون وسطایی، مساجد و مدارس مربوط به دوران ایوبیان و مملوکان و کاخ‌های دوره عثمانی است. خارج از دیوارها، محله باب الفرج در شمال غربی، منطقه جیده در شمال و مناطق دیگر در جنوب و غرب، معاصر با این دوره‌ها، دارای بناها و اقامتگاه‌های مذهبی مهمی است.



تصویر ۱: دورنمای قلعه تاریخی حلب و در میانه بافت شهری، منبع: (Gonnella, Jilia (2012)

بازارهای تاریخی و سرپوشیده حلب، به طول هفت کیلومتر هنوز هم ساختار معماری کهن خود را حفظ کرده است. مسجد جامع اموی؛ مدرسه حلاویه، که در زمان نورالدین زنگی بنا شده و در عصر صلاح‌الدین ایوبی مرمت شده است؛ مدرسه شرفیه، که در ۵۹۵ ه.ق/۱۱۹۹ م احداث شده است و در نزدیکی آن غذاخوری موسوم به ایرانیان متعلق به قرن ششم/ دوازدهم هست که اکنون بازسازی شده و محل بازدید گردشگران است؛ مدرسه صاحبیه؛ مسجد جامع فستق (۱۳۶۴ م)؛ خان صابون (متعلق به پایان قرن نهم هجری/ پانزدهم میلادی)؛ خان خایربیک (بنا در ۹۲۱ ه.ق/ ۱۵۱۵ م)؛ و خان الوزیر، که از کاروان‌سراهای معروف حلب، متعلق به سال ۱۰۹۳ ه.ق/ ۱۶۸۲ م است، برخی عناصر محور بازار را تشکیل می‌دهند.

بازارهای تاریخی و سرپوشیده حلب، به طول هفت کیلومتر هنوز هم ساختار معماری کهن خود را حفظ کرده است. مسجد جامع اموی؛ مدرسه حلاویه، که در زمان نورالدین زنگی بنا شده و در عصر صلاح‌الدین ایوبی مرمت شده است؛ مدرسه شرفیه، که در ۵۹۵ ه.ق/۱۱۹۹ م احداث شده است و در نزدیکی آن غذاخوری موسوم به ایرانیان متعلق به قرن ششم/ دوازدهم هست که اکنون بازسازی شده و محل بازدید گردشگران است؛ مدرسه صاحبیه؛ مسجد جامع فستق (۱۳۶۴ م)؛ خان صابون (متعلق به پایان قرن نهم هجری/ پانزدهم میلادی)؛ خان خایربیک (بنا در ۹۲۱ ه.ق/ ۱۵۱۵ م)؛ و خان الوزیر، که از کاروان‌سراهای معروف حلب، متعلق به سال ۱۰۹۳ ه.ق/ ۱۶۸۲ م است، برخی عناصر محور بازار را تشکیل می‌دهند.



نقشه شماره ۳: طرح محور تاریخی بازار حلب و عناصر ساختاری آن، منبع: Heinz, Nagler (2020)

برخی مدارس تاریخی حلب عبارت‌اند از: مدارس شافعیان به نام‌های ظاهریه، هروییه، فردوس، قیصریه، جُبیل، و مدرسه‌ای که شمس‌الدین لؤلؤ (عتیق) و مدرسه‌ای که عزالدین ابوالفتح مظفر بنا کرده‌اند؛ مدارس حنفیان به نام‌های حلاویه، حدادیه، حسامیه، و سیفیه؛ و مدرسه مالکیان و حنابله، که امیر سیف‌الدین بن علم‌الدین سلیمان آن را در پایین قلعه بنا کرده است.

جغرافیای تاریخی شهر حلب:

با وجود اینکه حلب یکی از قدیمی‌ترین شهرهای جهان است که سکونت در آن پیوسته در جریان بوده، اما پیشینه پایه ریزی این شهر به درستی مشخص نیست. بر پایه نظریه غالب، اولین ساکنان این شهر خانه‌های خود را بر روی تپه واقع در مرکز شهر ساخته‌اند و از مزایای دفاعی ویژه به واسطه ساختار طبیعی منطقه، زمین‌های حاصلخیز کشاورزی و نزدیکی به یک منبع آبی، با نام رودخانه قُویق^۱ بهره‌جسته‌اند. با این حال، همین پیوستگی و استمرار زندگی در این شهر از دیرباز تا به امروز، یافتن شواهد باستان‌شناسی مربوط به کهن‌ترین دوران استقرار را دشوار کرده است.

¹ Quwayq River

نام عربی شهر، "حلب"، ریشه سامی باستان دارد. برای اولین بار در متون شهر باستانی ابلا^۱ (۱) در پایان هزاره سوم پیش از میلاد، به نام محلی که به جهت ساخت معبدی مهم برای خدای طوفان خاور نزدیک وقف شده بود، اشاره شده است که در اواخر قرن بیستم، باستان شناسان بقایای مدفون این معبد را در محل قلعه قرون وسطایی حلب، که در بالای تپه مرکز شهر قرار دارد کشف کردند. قدیمی‌ترین قسمت‌های معبد به هزاره سوم قبل از میلاد برمی‌گردد و بنا در هزاره‌های بعدی چندین بار بازسازی شده است. ضخامت دیوارهای ویران شده آن نشان می‌دهد که معبد دارای برج و باروی بلندی بوده، که از فواصل دور نیز قابل مشاهده بوده است.

در قرن هجدهم قبل از میلاد حلب پایتخت پادشاهی آموری یمخاد بود. متعاقباً در قرن هفدهم تا چهاردهم پیش از میلاد به ترتیب تحت قیمومیت و حکومت هیتی‌ها، مصری‌ها، میتانی‌ها و مجدداً توسط هیتی‌ها در قرون بعدی به عنوان یک مرکز حکومتی مستقل شناخته شد. در قرن هشتم پیش از میلاد توسط آشوری‌ها فتح شد و سپس از قرن ششم تا چهارم پیش از میلاد تحت کنترل امپراتوری هخامنشی بود. باید خاطر نشان ساخت که کمبود اسناد تاریخی در مورد حلب در دوره حکومت آشوریان و هخامنشیان نشان دهنده کاهش اهمیت این شهر در این ایام است. در اوایل قرن سوم قبل از میلاد، شهر به دست سلوکیان افتاد، که یک از مستعمرات مقدونی را در این مکان تأسیس کردند و نام آن را Beroea گذاشتند، به نام شهر مقدونی باستانی که احتمالاً خانه اصلی بسیاری از مهاجران بوده است. این شهر به یک شهر مهم در دوره هلنیستی و یک پایگاه تجاری بزرگ بین منطقه مدیترانه و سرزمین‌های دورتر شرق تبدیل شد. حلب در قرن اول قبل از میلاد به یکی از استانهای روم مبدل گشت که اسکان یهودیان در این منطقه احتمالاً در این دوره آغاز شده است و همچنین یک جامعه مسیحی نیز شکل گرفت. پُریا به عنوان مرکزی برای تردد کاروان‌ها تحت حکومت بیزانس رونق یافت، اما در سال ۵۴۰ میلادی توسط خسرو اول پادشاه ساسانی تصرف شد.



تصویر ۲- مسجد جامع اموی حلب و منار آن، منبع: (Abdulac, Samir (2015)

در سال ۶۳۷ این شهر توسط اعراب فتح شد و به نام قدیمی خود حلب بازگشت. در اوایل قرن چهارم هجری اصطخری حلب را از شهرهای جُند قنسرین خوانده است. (اصطخری، ۱۳۴۰، ص ۶۴) در نیمه همین قرن، ابن حوقل، شام را دارای پنج جند نوشته که یکی از جندهای آن جند قنسرین و شهر بزرگ آن حلب بوده است. وی نوشته است که حلب با دیگر شهرهای شام در ارتباط است و دارای بازارهای خوب، حمام و مسافرخانه است. (ابن حوقل، ۱۳۶۶، ص ۱۶۸)، در اواخر قرن چهارم، مقدسی حلب را شهر زیبایی با دژ و بارو و مردمان خوش برخورد، خردمند و مرفه وصف نموده، شهر را انبار (خزاین) شاه خوانده و افزوده که حلب در کوره قنسرین از کوره‌های شش‌گانه شام است و آب آشامیدنی اهالی آن از رود قُویق تأمین می‌شود و هفت دروازه دارد، به نامهای حمص،

رَقَه، قنسرین، یهود، انطاکیه، عراق، و اربعین (مقدسی، ۱۳۶۱، ص ۲۱۷)؛ در قرن دهم، سلسله حمدانیان خود را به عنوان یک حکومت مستقل در حلب تثبیت کردند. این شهر حیات فرهنگی درخشانی داشت: دربار سیف الدوله، که بنیانگذار این سلسله در حلب بود، مشاهیری چون شاعر المتنبی

¹ Ancient city of Ebla

و فیلسوف فارابی را در بر می گرفت. اما بعد شهر توسط ارتش بیزانس نیکفروس دوم فوکاس در سال ۹۶۲ محاصره و غارت شد. این زمان دوره ای از جنگ و بی نظمی به دنبال داشت که برای به قدرت رسیدن حاکمان محلی، بیزانس، فاطمیان و سلجوقیان برای به دست گرفتن کنترل شمال سوریه صورت گرفت.

در قرن دوازدهم حلب به مرکز مقاومت مسلمانان در برابر صلیبیون تبدیل شد که در سال‌های ۱۱۲۴-۱۱۲۵ آن را محاصره کردند. تهدید صلیبیون توسط عمادالدین زنگی که کنترل حلب را در سال ۱۱۲۹ به دست گرفت و پسرش نورالدین دفع شد. پس از مرگ نورالدین، شهر به کنترل سلسله ایوبیان که توسط صلاح الدین تأسیس شده بود، درآمد. در زمان حاکمان ایوبی، حلب دوران شکوفایی استثنایی را تجربه کرد. معاهداتی با ونیزی ها منعقد شد و بدین ترتیب نقش حلب به عنوان پایگاهی برای تجارت بین اروپا و آسیا احیا شد. در این زمان ساختمان ارگ بازسازی گردید و بازارها و حومه شهر توسعه یافت. حاکمان ایوبی همچنین برای ترویج استقرار مجدد مذهب تسنن در حلب، که در زمان حمدانیان به پایگاه شیعیان تبدیل شده بود، مدارس متعددی ساختند.

شیخ شهاب‌الدین سهروردی، معروف به شیخ اشراق، در زمان ایوبیان به‌قتل رسید و در حلب مدفون است در یکی از سفرها از دمشق به حلب رفت و در آنجا با ملک ظاهر پسر صلاح الدین ایوبی (سردار معروف مسلمانان در جنگ‌های صلیبی) دیدار کرد. ملک ظاهر که محبت شدیدی نسبت به صوفیان و دانشمندان داشت، مجذوب این حکیم جوان شد و از وی خواست که در دربار وی در حلب ماندگار شود. سهروردی نیز که عشق شدیدی نسبت به مناظر آن دیار داشت، شادمانه پیشنهاد ملک ظاهر را پذیرفت و در دربار او ماند. در همین شهر حلب بود که وی کار بزرگ خویش، یعنی، حکمة‌الاشراق را به پایان برد. اما سخن گفتن‌های بی‌پرده و بی‌احتیاط بودن وی در بیان معتقدات باطنی در برابر همگان، و زیرکی و هوشمندی فراوان وی که سبب آن می‌شد که با هر کس بحث کند.

سرانجام به دستاویز آن که وی سخنانی برخلاف اصول دین می‌گوید، از ملک ظاهر خواستند که او را به قتل برساند، و چون وی از اجابت خواسته آن‌ها خودداری کرد، به صلاح الدین ایوبی شکایت بردند. متعصبان او را به الحاد متهم کردند و علمای حلب خون او را مباح شمردند، به همین دلیل، پسرش ملک ظاهر تحت فشار قرار گرفت و ناگزیر سهروردی را در ۵ رجب ۵۸۷ هجری قمری به زندان افکند و شیخ همان‌جا از دنیا رفت. وی در هنگام مرگ، ۳۸ سال داشت و مزار ایشان در مسجد امام سهروردی شهر حلب است علت دقیق وفات وی معلوم نیست البته مشهور آن است که سهروردی را در پوست نهاده سوزاندند.

حکومت ایوبیان در سال ۱۲۶۰ با تصرف حلب توسط مغول‌ها و کشتار ساکنان آن ناگهان پایان یافت. مغول‌ها به زودی توسط مملوک‌های مصر از سوریه بیرون رانده شدند، اما شهر همچنان از آن موج وحشیگری و غارت رنج می‌برد و طغیان طاعون در سال ۱۳۴۸ و حمله ویرانگر تیمور در سال ۱۴۰۰ بر تأثیرات افول شهر و زوال نقش تجاری آن در منطقه افزود.

در سال ۱۵۱۶ این شهر به امپراتوری عثمانی ملحق شد و به زودی مرکز استانی شامل شمال سوریه و بخش‌هایی از جنوب آناتولی شد. در این ایام نقش و جایگاه تجاری شهر رونق گرفت به طوری‌که به بازسازی و گسترش بازار (بازار) حلب و ساخت خان‌های جدید (استراحتگاه برای بازرگانان) منجر شد. عمده واردات این شهر شامل ابریشم ایرانی و فلز هندی بود. در قرون ۱۶ و ۱۷ حلب سومین شهر بزرگ امپراتوری عثمانی، پس از قسطنطنیه و قاهره و میزبان کنسولگری‌ها و دفاتر تجاری ونیزی، بریتانیا، هلند و فرانسه بود. حضور یک جامعه بزرگ تجاری اروپایی به ویژه برای مسیحیان حلب که اغلب به عنوان تاجر و مترجم فعالیت می‌کردند، بسیار سودآور بود.

این رونق اقتصادی تا اواسط قرن هجدهم ادامه یافت، زمانی که تجارت به دلیل کاهش تولید ابریشم ایرانی که با فروپاشی سلسله صفویه همراه بود، کاهش یافت. توسعه حمل و نقل اقتصادی بادیانی و کشتی‌های بخار نیز بسیاری از ترافیک‌های تجاری بین‌المللی را به شهرهای ساحلی

مدیرانه منتقل کرد و این امر به قیمت افول مراکز کاروان‌های داخلی مانند شهر حلب تمام شد. اواخر قرن هجدهم شاهد تضعیف کنترل دولت عثمانی در حلب و افزایش متناظر درگیری‌های جناحی بین اصناف و انجمن‌های قدرتمند تجاری هستیم. اصلاحات عثمانی باعث برانگیختن دوره‌ای از شورش و اعتراض همراه با خشونت و غارت علیه جامعه مسیحی حلب در سال ۱۸۵۰ شد. با این حال، کنترل عثمانی به زودی بازگردانده شد.

مرزهای سوریه مدرن که توسط بریتانیا و فرانسه در پایان جنگ جهانی اول ترسیم شده بود باعث شد حلب را از مناطقی که برای عملکرد آن به عنوان مرکز تجارت بین‌الملل ضروری بود، از جمله عراق و جنوب شرقی ترکیه، قطع کند. این شهر در قرن بیستم به دلیل مهاجرت از نواحی روستایی افزایش جمعیت گسترده‌ای را تجربه کرد و از این رو توسعه فضایی شهر روند چشمگیری یافت.

ساختار فضایی - کالبدی شهر تاریخی حلب:

طرح شهر تاریخی حلب به نوعی بیانگر ساختار شهری منسجمی است که لایه‌های مختلفی از ویژگی‌های مورفولوژیکی خاص و خصوصیات فضایی استثنایی آن را که طی هزاران سال تشکیل یافته است، بازگو می‌کند. ساختار متمایز یک مجموعه شهری باستانی و تبدیل آن به یک شهر قدیمی عربی با بناهای تاریخی قابل توجه میدان‌ها، بازارها، خیابان‌های اصلی و محله‌های مختلف و مجزا در امتداد یکدیگر و در عین حال در هم تنیده نشان‌دهنده ویژگی‌های منحصر به فرد آن است.

پویایی شهر میراث جهانی حلب در ساختار شهری پیچیده و ارگانیک آن است به طوری که اجزاء و محله‌های مختلف هر کدام دارای مراکز شهری ویژه‌ای بوده و سلسله مراتب بین مناطق عمومی و خصوصی، که نمونه‌ای از شهرهای تاریخی خاورمیانه است در آن به طرز چشمگیری خودنمایی می‌کند. در حالی که اطراف ارگ، و همچنین مسجد بزرگ امویان و بازار بزرگ حلب، فضاهای عمومی با اهمیت فرهنگی بالا برای کل شهر هستند، مراکز محله‌ها نیز به نوبه خود از اهمیت خاصی برخوردار بوده و پایگاهی برای انسجام اجتماعی و انتظام برای ساکنان خود به دنبال دارند. این درجه بندی به صورت سلسله مراتب در هر یک از محله‌های منفرد ادامه می‌یابد در حالی که خیابان‌های اصلی در محله‌ها خیابان‌های پیوسته هستند، یعنی خیابان‌هایی که توسط افرادی که لزوماً در این محله‌ها زندگی یا کار نمی‌کنند نیز استفاده می‌شوند، خیابان‌های داخلی به صورت مسیرهای بن‌بست طراحی شده‌اند که فقط توسط ساکنان و مهمانانشان مورد استفاده قرار می‌گیرند و بنابراین دارای سطح بالایی از حریم خصوصی و کنترل اجتماعی هستند.

این شیوه تقسیم بندی سلسله مراتبی بین عمومیت جامعه (محله) و ساختار خصوصی (ساختمان‌ها) نیز به روشی مشابه در گونه شناسی خانه‌های سنتی آن یافت می‌شود. ورودی و دسترسی به فضای داخلی این خانه‌ها هیچ‌گاه به طور مستقیم نیست، بلکه از گوشه‌ای تعبیه شده، به طوری که فضای داخلی ساختمان‌ها به ویژه حیاط‌ها حتی در باز بودن درب ورودی از خیابان دیده نمی‌شود. پس از قسمت ورودی وارد حیاط می‌شویم که محل ملاقات خانواده‌ها و مهمانانشان است. از حیاط، اتاق‌ها و فضاهای فردی دیگر برای اعضای مختلف خانه قابل دسترسی است. نقشه «ساختمان‌های با اهمیت برای شکل‌گیری مراکز شهری» ساختمان‌هایی را نشان می‌دهد که برای شکل‌گیری چنین مراکز شهری اهمیت ویژه‌ای دارند. پراکندگی و تمرکز این بناها و تأسیسات، ساختار چند هسته‌ای شهر قدیم را نشان می‌دهد که عرصه سوق و مسجد اموی به همراه ارتباط دروازه غربی با ارگ به عنوان مراکز اصلی شهر تاریخی خودنمایی می‌کنند. مراکز تک محله‌ها در چهارراه‌ها و نقاط مرکزی خیابان‌های متصل بین دروازه‌های شهر و نواحی اطراف ارگ که در کل شهر مرکزی هستند، تشکیل شده‌اند.

در نهایت ساختمان‌های منفرد و همچنین مسیرهای بن‌بست هر محله و نحوه انشعاب آنها، خوشه‌های مختلف محله‌های بزرگتر را به وجود آورده است. برای شهر میراث جهانی حلب، این سازه‌های شهری ارگانیک با ترتیبات چندمرکزی، در طول نسل‌ها و قرن‌ها توسعه یافته‌اند، با

دروازه‌های شهر و مسیرهای اصلی اتصال، خیابان‌ها و محله‌های تابعه که توسط سیستمی از مسیرهای بن‌بست و ساختمان‌های منفرد تشکیل شده‌اند. چنین ساختار شهری تکامل یافته، منعکس کننده ساختار سنتی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه شهری حلب است.

حلب و مواجهه تمدن‌ها:

بر اساس نظریه ای که در کتاب «برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی» توسط ساموئل هانتینگتون^۱ (۱) در سال ۱۹۹۶ ارائه شد پارادایم برخورد تمدنی، بسیاری از معادلات جهانی را شکل داده است تا بدانجا که در عصر حاضر کانون اصلی درگیریها به گونه ای بین تمدن غرب و اتحاد جوامع کنفوسیوسی شرق آسیا و جهان اسلام خواهد بود و در واقع درگیری های تمدنی آخرین مراحل تکامل در گیری در جهان است. (امیری وحید، ص ۲۳) خصوصاً در چند دهه گذشته با وقوع درگیری‌های صورت گرفته در مناطقی خاص چنان به نظر می رسد که به‌طور اجتناب ناپذیر برخی فرهنگ ها، مذاهب یا قدرتهای نظامی در مقابل دیگری قرار گرفته اند، اما در ارتباط با این رخدادها آیا این امکان وجود دارد که ما فقط خودمان را در این باور قائل دانسته باشیم (در قالب نظریه هانتینگتون) که این امر رویارویی تمدن هاست؟

شهر تاریخی حلب یکی از شاخص ترین شهرهای مناطق خاورمیانه است که در طول حیات خود شاهد تلاطم های فراوانی از استیلای سلسله ها، حضور و تنوع ادیان و ظهور و تداوم فرهنگهای مختلف بوده است. از این منظر بررسی الگوی تغییرات کالبد ساختاری و اجتماعی شهر در طول ده مرحله تاریخی نشان می دهد که در طی آن یک فرهنگ یا چارچوب سیاسی جایگزین دیگری شده است اما این بررسی نشان می دهد که فرهنگ‌ها به تدریج به سمت فرآیند ادغام یا ترکیبی می‌لغزند که ممکن است لزوماً شامل خشونت نباشد و ممکن است قرن‌ها طول بکشد تا انجام شود. با این حال متأسفانه در سالهای اخیر، کالبد ساختاری شهر تاریخی حلب به دلیل آنچه که به خوبی می‌تواند به عنوان برخورد واقعی ایدئولوژی‌های خشونت‌آمیز تعبیر شود، از هم پاشیده شده است.

عثماني

مملوكان

تركي

عربي

رومي (بيزاسي)

يوناني

هخامنشي

آشوري / بابلي نو

عصر آهن / آرامي

عصر برنز

سناریوی واقعی "برخورد تمدن" به تغییرات فرهنگی عمده و حتی جابجایی و تغییرات بافت جمعیتی برای تحقق این انتقال نیاز دارد، فشارهایی که بر روابط بین فرهنگ‌ها ایجاد می‌شود موجب از بین رفتن یک فرهنگ و ظهور فرهنگی دیگر می‌شود. با این حال در مورد حلب و تحلیل دقیق‌تر این مراحل، چیزی شبیه به الگوی مورد انتظار هانتینگتون تحقق نیافته است. در حالی که اکثر این تغییرات از طریق وقوع جنگ‌ها صورت گرفته، اما عملاً هیچ یک از آنها به خودی خود منجر به تغییر فرهنگی گسترده و حتی جابجایی های جمعیتی قابل توجهی نشده است.

¹ Samuel P. Huntington



تصویر ۳- محدوده پرامونی ارگ و ویرانی آن پیش از جنگ سوریه - تصویر ۴- محدوده پرامونی ارگ و ویرانی آن پس از جنگ سوریه

به عنوان نمونه بررسی دوران گذار از پرستش خدایان تا ظهور و تثبیت مسیحیت، در پیرامون شهر حلب نشان دهنده تغییر کاربری برخی از معابد و تخریب و بازسازی بسیار دیگر است. بقایای بیش از ۶۰۰ روستا از دوره رومی-بیزانسی در حومه شهر وجود دارد که در سر راه اصلی حلب به انطاکیه قرار دارند. این زنجیره متشکل از از تپه های تاریخی در قرن گذشته بیشتر به عنوان "شهرهای مرده" شناخته می شد زیرا اولین کاوشگران غربی منطقه به نبود روستاهای پرجمعیت در منطقه ای اشاره داشتند که در متون تاریخی برای سالیان متمادی بازار عمده صادراتی شراب و روغن بودند. شهر انطاکیه نیز که در زمان رومیان یکی از کلان شهرهای دوران باستان به شمار می رفت، پس از فتح مسلمانان دچار انحطاط شدید شد و در طول قرون رخداد جنگ های صلیبی پیوسته صحنه زدو خورد قرار گرفت به صورتی که هیچگاه چون گذشته فرصت احیاء و بازگشت به دوران شکوفایی خود را نیافت. در نهایت بررسی ها نشان می دهد که هیچ الگوی برای سرکوب کامل به اصطلاح بت پرستی (خدایان رومی) وجود ندارد. مگر مواردی که نشان می دهد این اتفاق در پی تحقق قوانینی است که امپراتوری روم، پرستش خدایان را غیرقانونی دانسته و آنرا سرکوب کرده است، با این وجود همچنان مناطق بیشتری وجود دارد که سنت بت پرستی به تدریج از جریان افتاده و برای بیش از دو قرن بسیاری از روستاها به هم نشینی سنتهای بت پرستی و مسیحیت احترام می گذاشتند. به تناسب این رویکرد در ابتدا و در برخی موارد کلیسا نیز از تغییر کاربری برخی معابد استقبال می کرد اما به تدریج با فرمان امپراطوری این امر متوقف گردید هر چند پس از گذشت مدتها از فرمان های اولیه امپراتوری مبنی بر ممنوعیت استفاده مجدد از معابد، این امر بی سر و صدا در مراکز متعددی در مناطق سوریه و لبنان رخ داده است. با این حال، بیشتر ساختمان های معابد به احتمال زیاد در طول قرن ها تسلیم زلزله و بی توجهی شده اند و یا سنگهای به کار رفته در ساختمان آنها به دلیل استفاده مجدد در بناهای جدید به یغما رفته اند.

مناره حلب، عنصر معماری منحصر به فرد با ۴۵ متر ارتفاع در مسجد جامع اموی، که در سال های ۱۰۸۰ میلادی توسط آق سنقر، فرماندار سلجوقی آن شهر ساخته شد به نوعی نشان می دهد که چگونه سنت های گوناگون در این شهر به جای تضاد با یکدیگر ادغام و همراهی پیدا کرده است. اما متأسفانه این عنصر یادمانی که از بسیاری از بلاها و تهدیدات مختلف نظیر نه جنگ ها متعدد، تهاجم مغول، دو آتش سوزی بزرگ و زمین لرزه های مختلف جان سالم به در برده بود در جریان جنگ های اولیه داخلی سوریه در سال ۲۰۱۳ به کلی ویران شد.



تصویر ۵- مسجد جامع اموی قبل و بعد از جنگ سوره و انهدام مناره مسجد، منبع: UNESCO, 2021

معمار این اثر، حسن بن مفرج السمرانی، ساکن شهری در ۳۰ کیلومتری جنوب حلب، در گستره وسیعی از همان روستاهای ذکر شده بیزانسی در مسیرجاده انطاکیه، بود. با وجود مسلمان بود مسلمان بودن وی و الگوی ویژه ساخت مناره های گرد با مقطعی کم عرض - نظیر مناره های سلجوقی ساخته شده در ایران - اما شاید برج کلیساها و بناهای تدفین بیزانسی را که در محدوده زندگی خود مشاهده می شد به عنوان الگویی بر ساخت این مناره بدون هیچگونه تعصبی به کار برد. سازه ای که در شهر تاریخی حلب که تعداد کمی از ساختمانها از دو طبقه فراتر می رفت چنان خودنمایی می کرد که می توان آنرا در زمره یکی از خوش تناسب ترین و زیباترین برج هایی که در طول هزاره گذشته ساخته شده است قلمداد کرد. او به طرز ماهرانه ای تأثیرات پنج قرن پیشین و چندین سنت مذهبی و عناصر تزئینی را در هم آمیخت. آری در ساخت این مناره هیچ تلاشی برای پنهان کردن میراث غنی بیزانسی این منطقه انجام نگرفته است. نمونه های دیگری از تحقیقات باستان شناسی نشان می دهد بردها یا رویدادهای سیاسی باعث گسست به آهستگی و در طی یک فرآیند بلند مدت موجب تغییر فرهنگها و بروز تمدن های جدید خواهد شد.

آری حلب با وجود مواجهه و تقابل های متعدد فرهنگها که در طول سالیان حیات خود به وقوع پیوست عمدتاً بدون آسیب فیزیکی قابل توجه و یا نابودی گروه های جمعیتی خاص، جان سالم به در برد، اما شاید در قرن بیست و یکم الگوی جدیدی بروز می نماید که تغییرات سیاسی باید با حذف فیزیکی بقایای فرهنگ های گذشته توأم شود. در دهه اخیر واژگان جنگ، نمونه ای واقعی از تبلور برخورد تمدن هاست. در اکثر مناطقی که توسط گروه به اصطلاح "دولت اسلامی" (داعش) از سال ۲۰۱۵ اشغال شده بود، نیروهای سلفی، کارزاری را برای تخریب بناهای تاریخی آغاز کردند. و به نظر می رسد هدف قراردادن بناهای تاریخی و یادمانهای فرهنگی پیشین، نه به عنوان یک هدف نظامی، بلکه صرفاً برای نشان دادن تأکید بر افول فرهنگ های گذشته و زایش عصر یک «خلافت» جدید به شمار می رفت. بنابراین، نه تنها بقایای دوران کلاسیک بیزانسی و رومی، بلکه بنای مقابر اسلامی متعلق به بزرگان دینی نیز مورد هدف و انهدام قرار گرفت، از قضا، مناره حلب آنقدر دوام نیاورد که به یکی از اهداف داعش تبدیل شود. داعش هرگز نتوانست به خود حلب نفوذ کند اما آثار ناشی از این جنگ چهره این شهر را به کلی دگرگون کرد.



تصویر ۶- دروازه قلعه تاریخی حلب، منبع: UNESCO (Ron Van Oers)

نتیجه گیری:

حلب که در تقاطع چندین راه تجاری از هزاره دوم پیش از میلاد قرار داشت، به طور متوالی توسط هیتی ها، آشوری ها، اعراب، مغول ها، ممالوک ها و عثمانی ها اداره می شد. ارگ قرن سیزدهم، مسجد جامع قرن دوازدهم و مدارس، کاخ ها، کاروانسراها و حمام های قرن هفدهم، همگی بخشی از بافت شهری منسجم و منحصر به فرد شهر را تشکیل می دهند که اکنون به دلیل افزایش جمعیت در معرض تهدید قرار گرفته است.

ارگ یادبود حلب که بر فراز سوق ها، مساجد و مدارس شهر قدیمی محصور شده است، گواهی بر قدرت نظامی اعراب از قرن ۱۲ تا ۱۴ است. با شواهدی از اشغال گذشته توسط تمدن هایی که قدمت آن به قرن دهم قبل از میلاد برمی گردد، ارگ شامل بقایای مساجد، کاخ ها و ساختمان های حمام است. شهر محصور شده ای که در اطراف ارگ رشد کرده است شواهدی از طرح خیابان های یونانی-رومی اولیه دارد و شامل بقایای ساختمان های مسیحی قرن ششم، دیوارها و دروازه های قرون وسطی، مساجد و مدارس مربوط به توسعه شهر ایوبی و ممالوک و مساجد بعدی است. و کاخ های دوره عثمانی. خارج از دیوارها، محله باب الفرج در شمال غربی، منطقه جیده در شمال و مناطق دیگر در جنوب و غرب، معاصر با این دوره های تصرف شهر محصور، دارای ساختمان ها و اقامتگاه های مذهبی مهمی است. تغییرات اساسی در بخش هایی از شهر در ۳۰ سال قبل از کتیبه رخ داد، از جمله تخریب ساختمان ها، و توسعه ساختمان های بلند جدید و جاده های گسترده. با این وجود، مجموعه ساختمان های اصلی باقی مانده و همچنین انسجام ویژگی شهری سوق ها و خیابان ها و خطوط مسکونی، همگی به ارزش جهانی برجسته کمک می کنند.

شهر قدیمی حلب منعکس کننده فرهنگ های غنی و متنوع ساکنان متوالی آن است. بسیاری از دوره های تاریخ تأثیر خود را در بافت معماری شهر بر جای گذاشته است. بقایای ساختارها و عناصر هیتی، هلنیستی، رومی، بیزانسی و ایوبی در ارگ عظیم باقی مانده گنجانده شده است. ترکیب متنوعی از ساختمان ها از جمله مسجد بزرگ که در زمان امویان تأسیس شد و در قرن دوازدهم بازسازی شد. مدرسه حلاویه قرن دوازدهم، که بقایای کلیسای جامع مسیحی حلب را به همراه سایر مساجد و مدارس، سوق ها و خان ها در خود جای داده است، بازتابی استثنایی از جنبه های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهری است که زمانی یکی از ثروتمندترین شهرهای بشریت بوده است.

حلب نمونه برجسته ای از یک شهر ایوبی قرن دوازدهم است که استحکامات نظامی آن به عنوان نقطه کانونی آن پس از موفقیت صلاح الدین در برابر صلیبیون ساخته شده است. خندق و دیوار دفاعی بر فراز یخچال عظیم، شیب‌دار و سنگی، و دروازه بزرگ با ماشین‌کاری‌هایش مجموعه بزرگی از معماری نظامی را در اوج تسلط اعراب تشکیل می‌دهد. آثار قرن سیزدهم تا چهاردهم از جمله برج‌های بزرگ و پل سنگی ورودی، کیفیت معماری این مجموعه را تقویت می‌کند. در اطراف ارگ در داخل شهر، مساجد متعددی از همان دوره از جمله مدرسه فردوس وجود دارد که توسط دایفه خاتون در سال ۱۲۳۵ ساخته شده است.

با وجود موقعیت استقرار ویژه شهر حلب که تاریخ پرفرازو نشیبی برای آن رقم زده و در پی آن موجب همنشینی و برخورد گروه‌های مختلف مذهبی، قومیتی، زبانی و فرهنگی گردیده است، اما هیچگاه این تحولات نه تنها در مقیاسی وسیع گسست ساختار اجتماعی را رقم نزده است بلکه همواره به جای تقابل شاهد تقارب میان این فرهنگها هستیم. هر چند در دهه گذشته با ظهور و افول گروه به اصطلاح دولت اسلامی کالبد ساختاری این شهر به علت آنچه که می‌توان از آن به عنوان "برخورد واقعی ایدئولوژی‌های خشونت‌آمیز" تعبیر شود، از هم پاشیده شده است

پی نوشت ها:

(۱) ایبلا (که تل مردیخ هم خوانده می‌شود) شهری باستانی در ۵۵ کیلومتری حلب است. این شهر اکنون در استان ادلب سوریه قرار دارد و در هزاره سوم پیش از میلاد از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. ایبلا به لوح‌های گلی به زبان ابلائی که در حفاری‌های آن پیدا شده است و لوح‌های ایبلا نامیده می‌شوند شهرت دارد.

(۲) ساموئل هانتینگتون (۱۸ آوریل ۱۹۲۷-۲۴ دسامبر ۲۰۰۸)، دانش‌آموخته و متخصص علوم سیاسی شهیر آمریکایی و به مدت ۵۸ سال، استاد دانشگاه هاروارد بود. وی بخاطر نظریه برخورد تمدن‌ها و پیش‌بینی کشمکش جهان غرب با جهان اسلام شهرت جهانی پیدا کرده بود. در میراث مکتوب این نظریه‌پرداز، آثاری چون «سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی»، «موج سوم دموکراسی در پایان سده ۲۰»، «چالش‌های هویت در امریکا» و «چند جهانی شدن - گوناگونی فرهنگی در جهان کنونی» به چشم می‌خورد که تقریباً تمامی آنها با محوریت تلاطمات تمدنی عصر جدید به نگارش درآمده است. با این همه، مشهورترین کتاب او «برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی» است که ابتدا در قالب یک مقاله به همین نام در سال ۱۹۹۳ در مجله «فارن افرز» به چاپ رسید و بعدها شکل کمال یافته و پیراسته آن به صورت کتاب منتشر شد، کتابی که نام ساموئل هانتینگتون را بیش از پیش بر سر زبان‌ها انداخت و موج‌های فراگیری از مناظرات نظری را آفرید و دامن زد.

(۳) آق‌سُنقُرُ الحَاجِب، با نام کامل ابوسعید قَسیم‌الدوله آق‌سنقر، فرمانده تُرک و از حاکمان گماشته ملک‌شاه سلجوقی در سوریه اواخر قرن یازدهم میلادی است. وی پدر عمادالدین زنگی از قهرمانان جنگ‌های صلیبی و بنیانگذار دودمان زنگیان است. سوریه پیش از ورود آق‌سنقر دچار ناآرامی و هرج و مرج بود. به دلیل درگیری‌های زیاد بین حاکمان و شاهزادگان مناطق، شرایط درون شهر دشوار بود. ترکیبی از مالیات بالا و قیمت کالاها منجر به افزایش جرم و جنایت شده بود. ملک‌شاه اول در سال ۱۰۸۷ میلادی آق‌سنقر را به عنوان فرماندار حلب و حما و اراضی اطراف آن منصوب کرد. آق‌سنقر با اصلاح اوضاع امنیتی در حلب و مناطق اطراف آن، اصلاحات را آغاز نمود. وی با سارقان و راهزنان مبارزه کرد و موجب برقراری امنیت شد.

فهرست منابع:

- اصطخری، ابواسحق (۱۳۴۰)؛ مسالک الممالک، به کوشش ایرج افشار، نگاه ترجمه و نشر کتاب
- ابن حوقل (۱۳۶۶)؛ صوره الارض سفرنامه ابن حوقل، ترجمه جعفر شعار، موسسه انتشارات امیرکبیر
- مقدسی، ابوعبدالله محمدبن ابراهیم (۱۳۶۱)؛ احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، شرکت مولفان و مترجمان ایران، چاپ اول
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۸)؛ برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، مترجم محمدعلی حمیدرفیعی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- امیری وحید، مجتبی (۱۳۸۲)؛ نظریه برخورد تمدن‌ها، هانتینگتون و منتقدانش، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه تهران، چاپ هفتم
- ناجی، محمد رضا (۱۳۹۸)؛ حلب، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۲۱
- کرسول، کپل آرچیبالد کامرون (۱۳۹۳)؛ گذری بر معماری متقدم مسلمانان، بازنگری: جیمز آلن، مترجم: مهدی گلچین عارفی، انتشارات فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول
- Burns, Ross (2019) Aleppo and the clash of civilization. Humanities Australia
- Britanica Encylopedia (<https://www.britannica.com/place/Aleppo>)
- Satellite-based Damage Aesement to Historial Sites in Syria (report of UNESCO, 2021)
- Heinz, Nagler (2020), Urban Cultural Heritage in the Middle East Old City of Aleppo Five Thousand Years of Urban Structures, Brandenburg University of Technology Cottbus – Senftenberg Faculty of Architecture, Civil Engineering and Urban Planning Chair of Urban Development and Design, Museum of Islamic Art, Berlin, Syrian Heritage Archive Project
- Steil, Lucien (2021) The Reconstruction of Aleppo, Journal of Traditional Building, Architecture and Urbanism
- Gonnella, Jilia (2012) The citadel of Aleppo: Description, history, site plan & visitor tour. The Aga Khan trust for culture
- Abdulac, Samir (2015) The Syrian crisis and the destruction of urban heritage: Three case studies: Palmyra, Damascus and Aleppo. ICOMOS France

Physical structure - the atmosphere of the historical city of Aleppo and dealing with Civilizations

Reza Hormehr¹, Mohammad Ibrahim Zarei²

Abstract

Aleppo is one of the most important cities in the Near East region with its history of thousands of years. Evidence shows that this city has been located at the intersection of several trade routes since the second millennium BC and was successively ruled by tribes and dynasties such as Hittites, Assyrians, Arabs, Mongols, Mamluks and Ottomans. Elements such as the fort, bazaar, mosque, schools, palaces, caravanserais, and baths are all part of this coherent and unique urban fabric. This ancient city was registered in the UNESCO World Heritage List in 1986 despite its special architectural and urban development values and its unique features. Aleppo Citadel is one of the most prominent examples of medieval Islamic architecture that has been preserved until the 21st century. Parts of the old stone walls of the city are still intact, along with several of its gates. During the Syrian war, the city of Aleppo's historical fabric, including the citadel and the Grand Mosque, suffered a lot of damage, so that UNESCO declared it among the world heritage sites at risk, and therefore, efforts are being made to restore this fabric and its structural elements after recapture. The capture of the city is underway. The most visible landmark of Aleppo is the medieval citadel, which is located on a semi-man-made hill in the center of the city at a height of about 40 meters. The old part of the city, which extends outwards from the perimeter of the hill, covers approximately 1.5 square miles (4 km²). To the west of the citadel is one of the largest covered markets in the Middle East, which stretches for kilometers in narrow streets. Vendors are grouped by trade in the market, forming specialized alleys for goods including clothing, textiles, leather, soap, and spices. Many khans, mosques and houses were built with limestone materials and many of them date back to the 16th and 17th centuries. However, this would also be too simple. Despite the occurrence of various religious and ethnic wars and the occupation of this city by various dynasties throughout history and sometimes extensive damage to the physical structure and body of the city, the cohesion of the social structure has still been preserved and perhaps this cultural confrontation has turned into interaction, although The extent of the collapse of this historical city after the incredible invasion of the so-called Islamic State (ISIS) will be very extensive and lasting.

Key words: Aleppo, Syria, Aleppo Castle, Umayyad Mosque of Aleppo, Ayyubids, Clash of Civilizations.

¹ Doctoral student of archeology at Boali Sina University

² Member of the Faculty of Education Department of Bu Ali Sina University